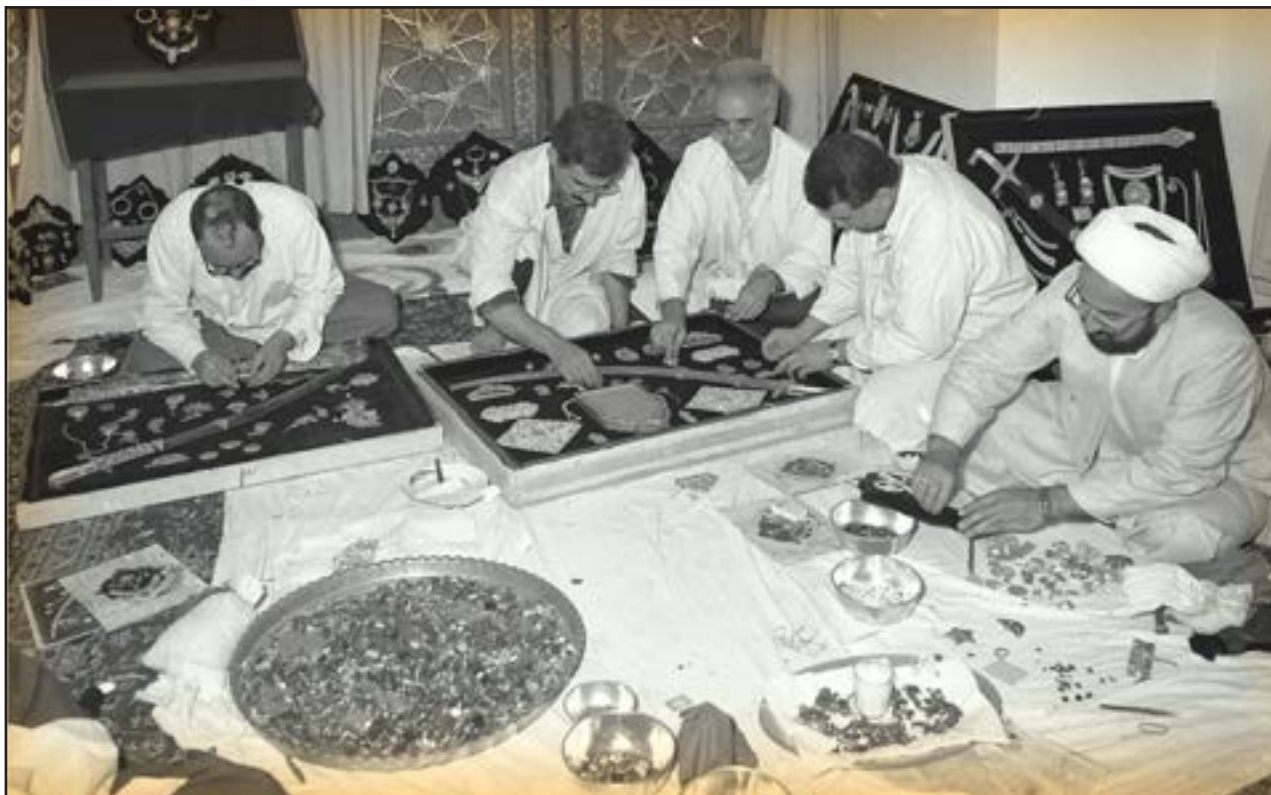


حرم و سال‌های پراز بلوا

فربیا فرخدا حرم مطهر رضوی سوای جلوه‌های چشم‌نواز بصری و معماری بی‌نظیرش، خزانه‌اشیای نفیس بسیاری است که در طول قرون مختلف از زائران و مجاوران ساده تاناج‌داران و فرمانروایان ممالک مختلف، آن‌ها را به رسم هدیه، پیشکش و حتی نذر، تقدیم آستان ملائک باسبان حضرت‌رضا^ع کرده‌اند. اما این گنج عظیم و نفایس ارزشمندش در طول تاریخ، طمع چپاولگران بسیاری را برمی‌انگیخته است. آن چنان که از همان ابتدا در معرض غارت بوده‌اند. روایت سطرهای بعدی هم قصه همین چپاول‌ها و غارت‌هاست و قرار است با شما از غارتگران و چپاولگران خزانه آستان قدس رضوی در طول تاریخ بگوییم.



نمونه‌ای از قندیل‌های طلای حرم مطهر رضوی



تیموری از چیدمان اشیا نفیس حرم مطهر در قاب برای حفاظت بیشتر و جلوگیری از سرقت آن‌ها

از غزها تا مرتضی قلی خان پرنک

قدیمی‌ترین غارتگر حرم مطهر رضوی سبکتکین غزنوی است که در قرن چهارم هجری قمری به خراسان لشکر کشید و پس از غارت این آستان مقدس، مزار حضرت را هم ویران کرد. بعد از آن حملات غزها، مغولان دومین گروهی بودند که آسیب‌های فراوانی به حرم مطهر وارد کردند. برای نمونه در مکتوبات قدیمی آمده است که در دوره ایلخانی و در زمان حکومت غازان خان، عده‌ای باغی وارد حرم می‌شوند و چهار ترنج نقره‌ای را که در بالای ضریح قرار داشته است، می‌ربایند. ما جزا به همین جا ختم نمی‌شود و برابر اسناد برجای مانده، می‌بینیم که در عصر صفوی نیز حرم بارها و بارها توسط ازبک‌ها چپاول می‌شود. مثلا در همان ابتدای حکومت شاه اسماعیل صفوی، فرش و قنادیل حرم دزدیده می‌شود؛ البته این دست دزدی‌های بزرگ کار مردم عادی و سربازان نبوده است. در واقع برخی سرداران و فرماندهان صفوی در هنگام عسرت و جنگ با دشمنان و رقبای خود، اشیا‌ی طلای حرم را چپاول می‌کرده‌اند. برای نمونه «مرتضی قلی خان پرنک» به اسم مساعده و برای جنگ با رقبایش، خزانه آستانه را که شامل حلی و زیورآلات روضه مطهره، جمیع قنادیل و شمعدان‌های طلا و نقره بوده است، تصرف و صرف مرسومات لشکرش می‌کند. حتی در این زمان که اوضاع مشهد مشوش بوده است، خیلی از نقود، ظروف، چینی‌آلات و جواهرات را سادات مشهد، تحویل‌داران حرم، میرنظام کلانتر و سایر خدمه و قعله برای حفاظت از حرم مطهر رضوی خارج می‌کنند اما همان‌ها هم به مرور دزدیده یا ناپدید می‌شوند. با این همه، می‌گویند که شاه اسماعیل به دلیل علاقه بسیاریش به امام رضا^ع، پس از تسخیر مشهد، دستور می‌دهد که فهرستی از همه اشیا‌ی غارت شده تهیه شود و دوباره همه آنچه را از دست رفته جایگزین می‌کند.

غارت روضه منوره به دست ازبک‌ها

مکتوبات می‌گویند که در قرن دهم هجری، در جنگی که بین اُمت‌خان (یکی از سرداران صفوی) با ازبک‌ها در مشهد رخ می‌دهد، او قندیل‌های طلا و نقره حرم را برمی‌دارد و با حرارت دادن آب و به ورقه‌های طلا تبدیل می‌کند تا به این وسیله بتواند آن‌ها را حفظ کند اما از ازبک‌ها شکست می‌خورد و ناچار به عقب‌نشینی می‌شود. ازبک‌ها هم از فرصت استفاده می‌کنند، به حرم یورش می‌برند و روضه مقدسه را خالی می‌کنند آن چنان که قندیل‌های مرصع طلا و نقره، شمعدان‌ها، فرش‌ها و ظروف آن به بیغما می‌رود. گزارش‌ها می‌گویند که در این میان چپاولگران ازبک، حتی به کتابخانه حضرت هم رحم نمی‌کنند و آن را به غارت می‌برند. کتابخانه‌ای که به قول «ترکمان» کتاب‌هایش در طول قرون متمادی و از اقصی بلاد جهان اسلام جمع شده بود و برخی از آنان مزین به خط شریف امامان معصوم بود. این غارت آن قدر بزرگ بوده است که حتی عده‌ای از مورخان نوشته‌اند که عبدالؤمن‌خان ازبک پس از خالی‌کردن روضه منوره، وقت خروج از حرم مطهر دستور می‌دهد سربازانش میل طلای بالای گنبد را بشکنند و آن را هم با خود می‌برند. روائیان می‌گویند، وقتی شاه عباس صفوی مشهد را تصرف می‌کند، جز محجر طلا (ضریح) حفاظ دوز مزار مبارک) چیز دیگر نمانده بود. جالب اینجاست که در میان این اشیا‌ی غارت شده توسط ازبک‌ها، یک قطعه الماس گران بها هم وجود داشته که تقدیمی محمدشاه دکنی به آستان حضرت رضا^ع بوده است. شاهزادگان ازبک بعدها همین الماس را به عنوان هدیه به شاه عباس صفوی تقدیم می‌کنند و شاه عباس نیز آن را به عثمانی‌ها می‌فروشد و با پولش املاکی را برای آستان قدس رضوی می‌خرد تا پشتوانه و منبع درآمدی برای حرم مطهر باشد. پس از شاه عباس صفوی و در دوره‌های بعدی همین سلسله، یکی دیگر از سرداران صفوی به حرم دست‌درازی می‌کند، روایت است که «فتحعلی خان میرشکارباشی» در سال ۱۱۳۶ قمری برای جنگ با افغان‌ها به پول نیاز پیدا می‌کند و به عنوان قرض، قنادیل و ظروف طلا و نقره حرم را در حضور متولی و ناظر آستانه برمی‌دارد و می‌فروشد.

غارتگران عصر افشاری

این هرج و مرج در عصر افشاریه نیز ادامه می‌یابد. برای نمونه خود نادرشاه، نخست موقوفات آستانه را به نفع دیوان کشوری ضبط می‌کند و نوه‌های او نادر میرزا و نصرا... میرزا در رقابت با یکدیگر، اموال و دارایی‌های آستان قدس را به بیغما می‌برند. نصرا... میرزا، طلاجات، نقره‌ها، قندیل‌ها، ظروف و شمعدان‌های زرین را حسب‌الصلاح متولی و ناظر برمی‌دارد، آب و با آن‌ها سکه ضرب می‌کند. نادر میرزا نیز اموال و اثاث حرم را مصادره می‌کند. می‌گویند او حتی یک عدد خشت طلای خالص را که بر بالای بقعه قرار داشته به همراه یک سر طوق مکمل که بر بالای گنبد مطهر بوده است هم تصرف می‌کند. نوه نادر همچنین قالی زربفتی را که در آن دوران، ۷ هزار تومان قیمت داشته است می‌سوزاند و طلاهای آن را برمی‌دارد. او همچنین درب جواهرنشان حرم را از جا می‌کند و طلا و جواهر آن را می‌فروشد. این مقدار اما چشم‌آور را سیر نمی‌کند و آتش طمعش را فرو نمی‌نشاند. آن قدر که به ضریح سیمین حضرت هم رحم نمی‌کند. حرم در عصر قاجار هم روزگار سخت و تلخ کم ندارد. همیشه در مواقع بی‌نظمی و اغتشاش در خراسان، نخستین جایی که مورد دستبرد قرار می‌گیرد، حرم مطهر رضوی است. «جیمز بیلی فریزر سیاح اسکاتلندی که در دوره فتحعلی شاه قاجار به مشهد آمده است، در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «آنچه از هدایای تقدیمی، به حرم آمده است را خدایم می‌برند. این اواخر اوقاف را برده‌اند و چیز قابلی نمانده است.» به نقل از فریزر در اوایل سلطنت فتحعلی شاه خراسان در آشوب و فتنه می‌سوخت تا اینکه باغیان، سرکوب و شاه، «میرزا موسی خان فرهانی» را مأمور سر و سامان دادن به امور حرم و موقوفات آن می‌کند. فرهانی موفق می‌شود و می‌تواند تا حدودی، هر ملک و مالی را که سلاطین سلف و بزرگان پیشین از آستانه برداشته بودند، پس بگیرد. پس از این دوره اما دوباره حرم چپاول می‌شود، این بار در فتنه سالار است که روضه منوره و جواهرات و قندیل‌های طلا و نقره‌اش را می‌دزدند. درب طلای حرم مطهر فروخته می‌شود و درب مرصع و جواهرنشان ضریح را نیز می‌برند.



در مشهد ۸۰ سال پیش اتفاق افتاده است

بسته‌بندی چای با شرایط کاملا امنیتی



مشهد قدیم

فرخدا کم بودن زمین‌های زیرکشت چای در ایران هشتاد سال پیش، نبود امکانات انبیا‌کردن، در کنار قیمت بالای چای و امکان تقلب فراوان در آن سبب می‌شد بسته‌بندی این کالا با شرایط و برگزاری مراسمی خاص انجام شود. حساسیت این موضوع با آمدن زمستان بیشتر می‌شد. خبرنگار جریده «آفتاب شرق» در گزارشی کوتاه به اداره اقتصادی مشهد یعنی جایی که چای در آنجا بسته‌بندی می‌شود، می‌رود و گزارشی از نحوه نظارت بر چای، بسته‌بندی و توزیع آن می‌گیرد که نشان می‌دهد این مراحل با چه وسواس و نظارت خاصی انجام می‌گرفته است. یکی از نکات شایان ملاحظه در این گزارش مخلوط‌کردن چای ایرانی و خارجی در اداره اقتصادی و سپس پلمب بسته‌های چای است. این خبرنگار می‌نویسد: «چون بسته‌بندی موجودی سال قبل اداره اقتصادی به اتمام رسیده بود، برحسب دستور مرکز مقرر شده که چای مخلوطی داخله و خارجه مصرفی آستان نهم (خراسان) در مشهد بسته‌بندی شود. خبرنگار ما روز گذشته برای مشاهده طرز عمل بسته‌بندی به اداره اقتصادی رفته و مشاهدات خود را به شرح زیر توضیح می‌دهد: کلبه، صندوق‌های چای داخله که از مرکز می‌رسد و جایی خارجه که از گمرک تحویل گرفته می‌شود، زیر نظر دوازده نفر از کارمندان طرف‌اعتماد، توزین [اوزن] و پس از تنظیم صورت‌مجلس، به انباری که هنگام باز شدن و تعطیل آن لاک‌ومهر می‌شود، تحویل شده و در داخل انبار ۸۳ نفر زن و ۴۹ نفر مرد مشغول کار هستند تا با کنترل دقیق، به نسبت، دوسوم چایی داخله و یک سوم چایی خارجه مرغوب مخلوط کرده و در بسته‌های مخصوص پانصدگرمی و

دویستگرمی و صدگرمی بسته‌بندی کنند. همچنین به هر یک از کارگران زن و مرد، نمره و پلاک مخصوصی داده می‌شود که هنگام تعطیل با گرفتن نمره و تفتیش کامل مرخص می‌شوند. این خبرنگار با اشاره به تولید چای در مشهد چنین ادامه می‌دهد: «در این دستگاه (اشاره نشده است چه دستگاهی) به‌طور متوسط، شش تن چای در بسته‌های پانصدگرمی و سه تن در بسته‌های دویستگرمی و یا یک تن و نیم در بسته‌های صدگرمی تهیه می‌شود که پس از مُهر در بالا و پایین بسته و زند برحسب در قسمت عرضی بسته‌ها در کیسه‌ها و صندوق‌ها گذاشته شده و برای حمل به خارج یا تحویل به عمال فروش مهیا می‌شود.» استفاده از افراد فقیر و نیازمند در کار بسته‌بندی چای موضوع دیگری است که خبرنگار به نیکی از آن یاد می‌کند و توضیح می‌دهد: «گذشته از نظم و ترتیب خاصی که زیر نظر مستقیم آقای شاهرودی جریان دارد، به‌کار گماشتن یک عده زن و مرد که همه از مردمان فقیری انتخاب شده‌اند که حداقل آن‌ها با گداگی همان عزت نفس و شرافت است، بسیار قابل تمجید بوده و به قراری که تحقیق شد، در نظر دارند به هر کدام، همه‌روژه یک استکان شیر داده شود و به هر یک از مرد‌ها به تناسب اهمیت کاری که به عهده دارند، روزانه از بیست تا ۳۵ ریال و به زن‌ها هم روزی پانزده تا بیست ریال اجرت داده می‌شود. آقای شاهرودی برای جلوگیری از هرگونه تقلبی به عموم عاملین فروش در ضمن بخش‌نامه دستور داده‌اند که قبل از تمام شدن چای هر بسته‌ای، به باز کردن بسته دیگر مبادرت نکنند.»



شنبه ۴ خرداد ۱۳۹۳ ۴ محرم ۱۴۱۶ شماره ۴۴۴

۱۵



تاریخ و هویت

تاریخ حرم

تاریخ هزار ساله سیاه‌پوشی برای سیدالشهدا (ع) در مشهد
رسم عزا در حرم امام‌رضا(ع)



هزینة های مربوط به برگزاری مراسم روضه خوانی در کشیک دوم از محل مصارف موقوفه حاجی باقر سنناتی

زینبی بیش از هزار سال از روزی که نخستین عزاداری در این دیار برپا شد، می‌گذرد و باین حساب بخش مفصلی از تاریخ اجتماعی شهر مشهد و خراسان را باید در میان جمع‌ها و آیین‌های عزاداری درک کرد و فهمید، اما متأسفانه وقتی حرف از اسناد و مکتوبات به میان می‌آید، می‌فهمیم که هیچ تاریخچه مدونی از سابقه مراسم مذهبی در مشهد در دست نیست و باید به اندک سندهای باقی مانده و نقل قول‌هایی که در کتاب‌های کهن وجود دارد، بسنده کرد.

عیون اخبارالرضا^ع نخستین کتابی است که به زیارت و اعتکاف زائران در مزار امام‌رضا^ع اشاره می‌کند. اندک‌اندک این آرامگاه شناخته‌وبر تعداد زائرانش افزوده می‌شود. با وجود شواهد تاریخی مبنی بر تجمعات مذهبی، تا قرن پنجم قمری از برگزاری مراسم سوگواری عمومی و رسمی در مشهدالرضا^ع خبری نیست. در اوایل قرن ششم، این اثیر از مجلس و عطی خبر می‌دهد که روزهای جمعه برگزار می‌شده است و عده زیادی در آن حضور داشته‌اند. این مراسم در سال ۵۱۰ قمری به دلیل اختلافات مذهبی به غائله‌ای تبدیل می‌شود که عده‌ای در آن کشته می‌شوند و برای مدتی تعطیل می‌شود. کلاویخو در اوایل قرن نهم از مشهد به عنوان شهر عمده زیارتی یاد می‌کند که نشان می‌دهد در دوره تیموریان مشهد شهری مقدس و پایتخت مذهبی بوده و در آن مراسم سوگواری برگزار می‌شده است.

در عهد صفویه عزاداری‌ها به یک روال تبدیل شد. آن زمان تشکیلات و امکانات رفاهی آستان قدس رضوی و آبادانی شهر مشهد دست‌به‌دست هم داد تا موضوع تأمین هزینه برگزاری مراسم مذهبی مورد توجه حاکمان و پادشاهان قرار بگیرد و وقف‌نامه‌های زیادی به آن اختصاص پیدا کند، از جمله این موقوفات می‌توان به املاک شاه‌سلطان حسین صفوی اشاره کرد که بخشی از درآمد موقوفه به هزینه تهیه اختصاص داده شد، «... و مبلغ ۱۴ تومان را در عشر اول شهر (ماه) محرم هر ساله در آن آستانه مقدسه منوره صرف اخراجات تعزیه حضرت سیدالشهدا^ع خامس آل عبا و اصحاب نمایند.» در این وقف‌نامه مبلغی برای حلوا و نان روز عاشورا است. در موقوفه شاه‌طهماسب صفوی به تاریخ ۱۱۳۶ قمری نیز نصف درآمد از عشر عبادات موقوفات مزرعه حسینی مشهد باید همه‌ساله در ایام عاشورا صرف تعزیه‌داری امام حسین^ع شود. ظاهر روضه خوانی، مرتبه‌سرای و تعزیه‌گردانی از این سال‌ها در حرم وجود داشته و مراسم آهنگین و موزون در دسته‌های مذهبی و ایام عزاداری محرم و صفر معمول بوده است. این مراسم معمولاً در رواق دارالضیافه و ایوان طلای صحن عتیق و مسجد گوهرشاد و مدرسه پایین‌یا و مکان‌های پیرامون آن برگزار می‌شده است.

در دوره افشار نیز مراسم سوگواری در حرم برقرار بوده و موقوفات جدیدی برای تأمین هزینه این مراسم اضافه شده است. برابر متن موقوفه بلدش بیگ (۱۱۵۸ قمری) ادر محرم و ربیعین و آخر صفر هر سال در محل مسجد گوهرشاد، ایوان طلای صحن عتیق، پای چهل چراغ (روضه منوره) و مدرسه پایین‌یا مراسم سوگواری و روضه خوانی برپا بوده است. در طومار علیشاهی نیز زردی‌ای این موقوفات برای عزاداری‌ها پیدا می‌شود. در دوره قاجار اما هم مراسم وسعت یافت و هم نظم و تشریفات آن زیادت و نظارت بر آن نیز بیشتر شد. از محتوای دست خط محمدسعید تولیت در آن سال‌ها می‌توان دریافت که برگزاری این مراسم به مجوز تولیت وقت نیاز داشته است و معمولاً درخواستی برای دریافت لوازم مورد نیاز به او می‌داده‌اند. مسئولان پس از دریافت وسایل در برابر ارائه قبوض و آماده‌سازی مکان‌ها برای یک دهه سوگواری بر آن نظارت می‌کرده‌اند. در روزگار قاجار در رواق گنبد... و رددی خان و حتی گاهی اتاق تطهیر خانه سرکار فیض آثار نیز مراسم برپایی شده است. از لوازم عزاداری دوره قاجار به علامت فولادی زرکوب و پرده شبیه خوانی برجای مانده است؛ همچنین تعدادی زیارت‌نامه خوان، خلیط و ملا هم برای مراسم معین شد. در این عهد، در روزهای غرضیح مطهر، گنبد، رواق‌ها، بدنه مناره‌ها، آزاره ایوان طلا و قسمت‌هایی از سقاخانه با پارچه سیاه‌پوش می‌شد. در مراسم عزاداری نیز میهمانان و عزاداران با قند و چای و قلیان پذیرایی می‌شدند. اعتمام‌الملک می‌نویسد در روز عاشورا اماکن متبرکه تا سه ساعت در مجلس به استماع ذکر مصیب اشتغال داشته است. تأکید و نظارت مسئولان بر اجرای بهتر مراسم، مطابق آیین‌نامه‌ها و صورت‌هزینه‌های برجای مانده در اسناد مربوط به روضه‌خوان‌های حرم و ایوان طلا در ایام محرم و دیگر ایام سوگواری حاکی از اهمیت این مراسم در این دوره است که وقف‌های زیادی برای آن انجام شد. در موقوفه محمدشاه قاجار یک سوم درآمد خالص از یک دانگ و نیم مزرعه حسین آباد در دریاچه کرمان به عزاداری اختصاص یافت. همچنین شش سهم از درآمد کل مزرعه و قنات حسین آباد مشهد و بخشی از کل شش دانگ مزرعه قهرمان آباد اسفراین و یک عشر از درآمد کل مزرعه فتح‌آباد و درآمد مزرعه قاسم آباد مشهد نصف درآمد زمینی و در رشت و هشت عشر و نیم از درآمد ثلث از کل مزرعه گیم‌زدر مشهد و... از همین موقوفات است. کارخانه‌زاری در ایام سوگواری برای زوار غذای پخت‌وازم محل موقوفات میالغی صرف خیرات و مبرات می‌شد. پذیرایی از میهمانان، شخصیت‌ها و صاحب‌منصبان نیز در این ایام مرسوم بوده است. گاهی هم مراسمی اختصاصی در کشیک‌خانه خادم برگزار می‌شده است، برای مثال اسناد مربوط به هزینه اطعام سوگواران در عهد محمدعلی شاه قاجار به تاریخ ۱۳۲۷ قمری نشان می‌دهد پذیرایی از زائران بخشی از مراسم حرم مطهر بوده و هزینه آن به همراه هزینه روشنایی و دیگر مخارج از محل موقوفات تأمین می‌شده است.

منبع: پیشینه عزاداری در حرم امام‌رضا^ع، نوشته محمدرضا قصبیان

مقاله نمایان حرم رضوی در عصر قاجار، از رضا نقدی